

فصل‌نامه علمی - پژوهشی پژوهش‌نامه‌ی تاریخ اسلام
سال اول، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۰
صفحات ۴۹ - ۷۱

علی‌سعاوی و اندیشه پارلمانتاریسم در امپراتوری عثمانی^۱

حسن حضرتی^۲
توران طولابی^۳

چکیده

طرح اندیشه پارلمانتاریسم در امپراتوری عثمانی، با ظهور نو عثمانیان هم‌زمان بود. نظام قانون و پارلمانتاریسم، جان کلام نو عثمانیانی بود که به راهکاری برای برون‌رفت جامعه از بحران‌های اقتصادی - اجتماعی می‌اندیشیدند. این مقاله به پاسخ‌گویی این مسئله می‌پردازد که متفکران نو عثمانی، مفاهیم جدید غربی به‌ویژه «پارلمانتاریسم» را چگونه و بر پایه کدام دستگاه نظری به جامعه پذیراندند؟ اندیشه‌های نو عثمانیان و علی‌سعاوی از شخصیت‌های برجسته آنان، به همین انگیزه بررسی خواهد شد. دیدگاه‌های سعاعوی بیش‌تر در مقالات روزنامه‌های «مخبر» و «علوم» مطرح شد که با تحلیل آنها می‌توان به دغدغه اصلی این نماینده متفکران نو عثمانی درباره توان‌مندی‌های آموزه‌های اسلامی و تلاشش برای تطبیق مفاهیم نو با این آموزه‌ها، پی برد.

کلیدواژگان

نو عثمانیان، علی‌سعاوی، اسلام، مشورت، پارلمانتاریسم، امپراطوری عثمانی.

۱. تاریخ دریافت: ۹۰/۴/۸. تاریخ پذیرش: ۹۰/۶/۲۳

۲. استادیار دانشگاه تهران. (hazrati@ut.ac.ir)

۳. دانشجوی دکتری ایران دوره اسلامی، دانشگاه تهران. (tooran_toolabi@yahoo.com)

رویاری امپراتوری عثمانی با چالش‌های نظامی، از مهم‌ترین عامل پویش نخبگان عثمانی در جست‌وجوی راهکاری برای برون‌رفت از بحران بود. این کاوش به ضرورت ایجاد مجلس انجامید. با آغاز نوگرایی در عثمانی و آشنایی با غرب، مفاهیم نو مانند «پارلمانتاریسم» و مفهومی‌های تابعش مانند «قانون» به ادبیات سیاسی متفکران عثمانی راه یافت و نزد آنان مهم شد. چگونگی پرورده شدن این مفهوم در سپهر اندیشه نواندیشان عثمانی و عرضه آن به جامعه عثمانی، پرسشی در کانون توجه محققان بوده که این جستار کوشیده است بدان پاسخ گوید: «مفهوم پارلمانتاریسم در دستگاه فکری اندیشمندان ترک با استناد به کدام آموزه‌های دستگاه فکری عثمانی توجیه و به جامعه عرضه شد؟» پس از رویاری عثمانی با مفاهیم نوپدید برآمده از غرب، زمینه راهیابی مفهوم پارلمانتاریسم به سپهر فکری اندیشمندان ترک فراهم آمد. آثار تکاپوهای شرع‌محور را در دست‌خط‌های صادر شده به‌انگیزه بسترسازی برای تجدید در عثمانی قرن سیزدهم (نوزدهم میلادی) نیز می‌توان یافت، اما این کار با ظهور نوعثمانیان به‌ویژه کسانی چون نامق کمال و علی سعاوی اوج گرفت. اینان با بهره‌گیری از آموزه‌های اسلامی، نخستین گام‌ها را برای توجیه مجلس ملی یا «مجلس مشورت» در این دوره (قرن سیزدهم / نوزدهم) برداشتند. تأکید ایشان بر اصل شورا و مشورت در اسلام، جان‌مایه همه تحلیل‌هایی بود که نوعثمانیان برای عرضه اندیشه خود به آن تمسک می‌کردند.

این مقاله با بررسی اندیشه‌های سعاوی و تعریف وی درباره مفاهیم نو به‌ویژه پارلمانتاریسم، چگونگی حرکت نوعثمانیان را برای فراهم آوردن زمینه پذیرش این مفاهیم بر پایه تمسک به آموزه‌های اسلامی، پاسخ می‌گوید و تلاش‌های نوسازانه آنان را در جامعه اسلامی برای رفع بحران‌ها، گزارش می‌کند.

این موضوع را جسته و گریخته در آثار عثمانی‌پژوهانی چون شاو، لویس، گونش^۱ و برکس می‌توان یافت. استنفورد شاو در تاریخ امپراتوری عثمانی و

۱. پروفیسور احسان گونش (Prof. Ihsan Güneş) استاد تاریخ دانشگاه آنادولوی ترکیه (Anadolu Üniversitesi) است. از همراهی و هم‌کاری مؤثر ایشان در فراهم آوردن شماری از منابع این پژوهش سپاسگزارم.



ترکیه جدید (۱۸۰۸ - ۱۹۷۵)^۱ و برنارد لویس در ظهور ترکیه نوین^۲ و مقاله‌ای با نام «مشورت»^۳ به این موضوع پرداخته‌اند. لویس در قالب بخشی ویژه آن را مطرح نکرده، اما پراکنده و به مناسبت موضوع‌های مرتبط، به آن گریز زده و در مقاله‌اش نیز از مهم‌ترین دوره تاریخ عثمانی در تحول اندیشه‌های نو؛ یعنی عصر نوعثمانیان غفلت کرده است. احسان گونش نیز در مقدمه تاریخ پارلمان ترک^۴، گذرا به آرای نوعثمانیان می‌پردازد. نیازی برکس، محقق برجسته ترک نیز در تحقیق پرآوازه‌اش گسترش سکولاریسم در ترکیه^۵ به این موضوع اشاره می‌کند. ویژگی مشترک مقاله و کتاب‌های یاد شده، بی‌توجهی به جایگاه اندیشه‌های سعادی، از مهم‌ترین اندیشه‌ورزان جنبش نوعثمانیان است. تنها شریف ماردین در ظهور اندیشه نوعثمانیان^۶ در بخش ویژه‌ای به گوشه و کنار اندیشه سعادی پرداخته است که آن نیز سهم اندکی در بازگویی دیدگاه‌های وی درباره پارلمانتاریسم دارد.

زمینه تاریخی

عثمانی از دیر زمانی پیش، به ضرورت اصلاحات در نهادهای خود پی برده بود، اما سده سیزدهم (نوزدهم) مهم‌تر از دوره پیش از آن در این زمینه است؛ چه

۱. استفورد شاو، ازال کورال شاو (۱۳۷۰)، تاریخ امپراتوری عثمانی و ترکیه جدید (۱۹۷۵-۱۸۰۸)، ترجمه محمود رمضان‌زاده، مشهد، آستان قدس رضوی. شاو دو مقاله نیز درباره «نظام شورایی و ریشه‌های نظام نمایندگی عثمانی» دارد:

۱. Shaw, S. "The Representative Councils before 1876" *International Journal of Middle East Studies*, Vol. 1, no. 1 (Jan., 1970).

۲. Lewis, Bernard, "Meşveret", *proceedings of the Near Eastern Round Table*, (New York University, 1969).

۳. لوئیس، برنارد (۱۳۷۲)، *ظهور ترکیه نوین*، ترجمه محسن علی سبحانی، بی‌جا، نشر مترجم.

۴. Lewis, Bernard, "Meşveret", *Istanbul Üniversitesi Edebyat Fakültesi Tarih Enstitüsü Dergisi*, sayı ۱۲ (۱۹۸۲).

۵. Güneş, İhsan, *Türk parlamento tarihi*, Meşrutiyet Geçiş Süresi: I ve II Meşrutiyet, Ankara: Türkiye Büyük Millet Meclisi Vakfı Yayınları, 1996.

۶. Berkes, Niyazi, *The development of secularism in Turkey*, London: Hurst & Company, 1998.

۷. Mardin, Şerif, *The genesis of Young Ottoman thought*, Syracuse University Press, 2000.

نیروی تأثیرگذار خارجی (قدرت‌های بین‌المللی و فشارهای آنها) در شکل‌گیری مشروطیت عثمانی مهم باشد^۱ و چه آن را پی‌آمد تکاپوهای نوگرایانه‌ای بتوان شمرد که کمابیش یک قرن پیش از این با برپایی نهادهای شورایی آغاز شده بود^۲. بهترین ویژگی این دوره مهم از تاریخ عثمانی، به بار نشستن نهاد «مجلس» در قالب دست‌آوردی مهم در حوزه نوسازی بود.

سنت هم‌اندیشی گروهی ترک‌ها را در دوره‌های پیشین نیز می‌توان یافت. پژوهش‌گرانی چون سیدانلی‌اوغلو، نهادهای «توی» و «قورولتای» را گواهی بر وجود سنت مشورت و کاوش میان ترکان یافته‌اند (Seyitdanlıoğlu, ۱۹۹۹: ۲۵) و همین موجب شده است که محققانی چون لویس، چشم‌گیرترین شاهد «مشورت» را در جهان اسلام قرون میانه، از آن امپراتوری عثمانی بدانند و از قدرت گرفتن عثمان بن‌ارطغرل، بنیادگذار سلسله عثمانی بر اثر مشورت و رایزنی بزرگان، سخن به میان آورند (Lewis, ibid: ۷۷۹). افزون بر این، به اعتقاد گوئش چنین سنت‌هایی نزد دولت ترک آسیای میانه نیز بوده است (Güneş, ۱۹۹۵: ۱۰). دعوی صریح و قاطعانه لای‌بی‌یر درباره پیشینه داشتن پارلمان در ترکیه پذیرفتنی نیست (Lybyer, ۱۹۱۰: ۶۷)، اما می‌توان وجود نظام‌های شورایی را نزد ترک‌ها درست دانست.

با توجه به دستگاه حاکمیت عثمانی و وجود این پیشینه، «شریعت» در نظام حاکمیت آنان جایگاهی مهم داشت. اقتدار از آن سلطان، صدراعظم و شیخ‌الاسلام بود (Karal, ۲۰۰۷, VIII.Cilt: ۱۹۳). صدراعظم در برابر پادشاه، پادشاه در برابر علما و علما نیز در برابر شریعت پاسخ‌گو بودند (Çelik, ۲۰۰۰: ۳۴۴). گفته‌های سلطان، در حکم قانون به شمار می‌آمد؛ مگر اینکه مشروع نمی‌بود (Devereux, ibid: ۶۰) و سلطان مسئول اجرای احکام شریعت و نگاه‌بانی از آنها بود (دورسون، ۱۳۸۱، ص ۲۴۱). صدراعظم نیز برای اداره امور، می‌بایست شریعت و قانون‌نامه‌های مصوب سلطان را

۱. Davison, Roderic H., *Reform in Ottoman Empire (1856-1876)*, pp. 358-360, The development of secularism in Turkey, pp. 224-225.

۲. Shaw, "The Central Legislative Councils in the Nineteenth Century Ottoman Reform Movement before ۱۸۷۶", ج. ۵۱، شماره ۱، ص ۱۸۷-۱۸۸، ج. ۵۳، شماره ۱، ص ۱۷۶-۱۷۷، Akiba, pp. 176-204.

اجرا می‌کرد (Karal, ۲۰۰۷, VIII.Cilt: ۱۹۴). ماده‌های مبتنی بر شریعت حتی پس از تأیید سلطان نیز می‌بایست از تأیید شیخ‌الاسلام برخوردار می‌شد (Aynı: ۱۹۴). به‌رغم اهمیت و جایگاه مهم قانون‌نامه‌ها^۱ در سلطنت عثمانی، شریعت در حوزه‌هایی چون وراثت اولویت داشت (Mardin, ۲۰۰۰: ۱۰۴).

حرمت نهادن جایگاه مشورت و پیوستگی آن با شریعت، در رفتار برخی از شاهان عثمانی همچون سلطان سلیم سوم (۱۲۲۳-۱۱۷۴/۱۸۰۸-۱۷۶۱) نیز دیده می‌شود. او بر این باور بود که درباره هر مسئله‌ای باید بر پایه اصول مشورت رفتار کرد (Karal, ۱۹۸۸: ۱۴۸-۱۴۹)؛ چنان‌که در دست‌خطی مشورت را امر خداوند و برگرفته از «سنت شریف» خواند (Aynı: ۱۴۸-۱۴۹). شورای «مشورت عامه»، پس از آغاز جنگ روسیه (۱۸۰۶/۵۱۲۲۱م)، «سند اتفاق» را در قالب مدخل و هفت بخش سامان داد (Gözübüyük, Kili, ۱۹۸۵: ۳-۷).^۲ محققان این سند را به شکل‌های گوناگونی تعبیر کرده‌اند؛ کسانی آن را مرحله‌ای از «تاریخ مردم‌سالاری ترک» (İnalçık, aynı: ۶۰۸; Türk parlamentoculuğunun ilk yüzyılı: ۲۵) یا «نخستین قاعده حقوقی» (İnalçık, aynı: ۶۰۳)، کسانی آن را گونه‌ای «مگناکارتا» (Çelik, aynı: ۳۴۴) و کسانی آن را دست‌کم در ظاهر، سندی شرعی خوانده و دانسته‌اند (İnalçık, aynı: ۶۰۶; Türk parlamentoculuğunun ilk yüzyılı: ۲۷).

رسوخ انگاره‌های شرعی - دست‌کم در ظاهر - در «خط شریف گلخانه» نیز دیده می‌شود. این سند را نوعثمانیان به دلیل پاس نداشتن چارچوب‌های شریعت در آن، نقد کردند (Mardin, ۲۰۰۰: ۱۶۴, ۳۵۹)، اما به‌رغم آشنایی مصطفی رشیدپاشا (۱۲۷۴-۱۲۱۴/۱۸۵۸-۱۸۰۰) با مظاهر تمدن غرب (Karal, V.cilt, ۲۰۰۷: ۱۶۹-۱۷۰; Kanar, ۱۹۹۱: ۶۳, ۸۲, ۱۶۷-۱۶۸) نمی‌توان آن را از آموزه‌های اسلامی تهی دانست.^۳ سلطان عبدالمجید (۱۲۷۷-۱۲۵۵/۱۸۶۱-۱۸۳۹)

۱. برای آگاهی از قانون‌نامه‌های عثمانی، ر.ک:

Ömer Lütfi Barkan, "Kanun Name", *İslam Ansiklopedisi*(1952), VI, s 191.

۲. نیز ر.ک:

Türk parlamentoculuğunun ilk yüzyılı(1876-1976),hazırlayan: Siyasi İlimler Türk Derneği, Ankara: Ajans- Türk gazetecilik ve matbaacılık sanayii, s. 25, İnalçık, s. 604.

۳. در مقاله‌ای با عنوان «ریشه‌های اسلامی خط گل‌خانه» بر انگیزه‌های مصطفی رشیدپاشا در این باره و تأثیرپذیری

چهار روز پیش از صدور این فرمان (۱۸۳۹/۱۲۵۵) خود را خلیفه مؤمنان و خلیفه خدا روی زمین خواند (İnalçık, Aynı: ۶۱۸). بر پایه پذیرش بخش‌بندی چهارگانه کارال درباره «خط گلخانه» (Karal, V. Cilt: ۱۷۰-۱۷۱)، سه بخش از آن به «احکام جلالیه قرآنیه و قوانین شرعیه» و پی‌آمدهای آنها یا بی‌اعتنایی به آنها اشاره می‌کنند (Gözübüyük, Kili, ۱۹۸۵: ۱۱-۱۳).

با افزایش بحران‌های داخلی عثمانی که حتی گاهی به برکناری صدراعظم‌ها و پادشاهان انجامید، پرسش «راهکار چیست؟» بار دیگر مطرح شد. مسائل گوناگون داخلی مانند آشفتگی‌های سیاسی و مالی^۳ در این دوره، اوضاعی را پدید آورد که در پی آن، نوعثمانیان درباره این پرسش درنگ کردند. بنابراین، با تمرکز تجددگرایان بر جستن راه برون‌رفتی از مشکلات، خیزشی برای یافتن راه‌کاری متفاوت آغاز شد. تلاش‌های دوران پیشین (۲۹-۳۰: Davison, ۱۹۶۳) زمینه را برای پیدایی نسلی فراهم آورد که در غرب درس خوانده و از فرانسه یا ایتالیا بسی تأثیر پذیرفته بودند (۲۱-۲۲، ۱۳، ۲۰۰۰: Mardin, ۲۴; Güneş, aynı: ۶۰-۶۱; Kuran, ۲۰۰۴). اینان پس از مرگ فؤادپاشا (۱۸۶۹/۱۲۸۶) و عالی‌پاشا (۱۸۷۱/۱۲۸۸) انگیزه‌مندتر

او از برخی از علمای زمانه تأکید شده است:

Butrus, Abu-Manneh, "The Islamic roots of Gülhane Rescript", *Die welt des Islams*, New series, Vol.34, Issue 2(Nov.,1994),p. 173 ff.

دیویسون نیز این بحث را از دید دیگری در کتابش آورده است:

Davison, Roderic H., *Reform in Ottoman Empire(1856-1876)*, Princeton University Press, 1963, p. 39 ff, p.364.

۱. نیز ر.ک:

Karal, Enver Ziya, "Gülhane Hatt-ı Hümayununda batının etkisi", *Bellekten*, Cilt 28, Ekim 1964, sayı ۱۱۲, ۵۹۷.

۲. برای آگاهی از متن خط شریف گلخانه، هم‌چنین ر.ک: *دستور*، برنجی قسم، برنجی جلد، ص ۴-۷. نسخه اصلی آن در روزنامه «تقویم وقایع»، ۱۵ رمضان ۱۲۵۵، دفعه ۱۸۷، ص ۱-۳ منتشر شد.

۳. امپراتوری عثمانی در این زمان از دید اقتصادی به مشکلات فراوان دچار شده بود. وام‌های گزاف، خشک‌سالی و قحطی و بحران‌های سیاسی مانند بحران کرت، از مهم‌ترین مشکلات عثمانی در این دوره به شمار می‌رفتند.

برای آگاهی بیشتر در این باره، ر.ک: راس، ص ۵۲۷؛ لوییس، ص ۱۴۲، ۲۲۴-۲۲۵ و ۲۳۳؛ شاو، ج ۲، ص ۲۶۸-۲۶۹ و ۳۲۴-۳۲۹. نیز ر.ک:

Akarli, Engin D, "Economic Policy and Budgets in Ottoman Turkey", 1876-1909, *Middle Eastern Studies*, Vol. 28, No. 3 (Jul., 1992) p. 443, Mardin, p. 107, pp.25-26, pp. 165-166, Davison, 301-305, Zürcher, Erik. J, *Turkey*, New York, I.B Tauris, 1997, pp. 66-67, Milgrim, Michael R, "An Overlooked Problem in Turkish-Russian Relations: The 1878 War Indemnity", *International Journal of Middle East Studies*, Vol. 9, No. 4 (Nov., 1978), p.519, Pamuk, Şevket, "The Ottoman Empire in "Great Depression" of 1873- 1896", *The Journal of Economic History*, Vol. 44, No. 1(1984), pp. 107-108.

شدند (۷۵: Zürcher, ۱۹۹۷) و در سال‌های ۱۸۶۷ تا ۱۸۷۵ (۱۲۹۲-۱۲۸۴) در قالب روزنامه یا پنهانی، اندیشه‌های خود را عرضه کردند (۳: Güneş; Çelik: ۳۴۵; Karal, VII cilt: ۳۲۳, ۳۲۶-۳۲۷).

البته رویارویی متفکران مسلمان با مفاهیم غربی همچون پارلمانتاریسم، افزون بر عثمانی کمابیش در بیش‌تر جوامع اسلامی به تلاش‌های آنان برای عرضه این مفاهیم نو به جوامع مسلمان انجامید. بر پایه متون تاریخی کشورهای مسلمان، مفهوم پارلمانتاریسم بیش‌تر با مفهوم شورا در اسلام منطبق شده است؛ کاری که نمونه‌های آن را در جوامع اسلامی همچون کشورهای عربی^۱ یا ایران^۲ می‌توان دید.

گمان می‌رود تلاش برای گستراندن رویکردی اسلامی به مفهوم پارلمانتاریسم؛ یعنی واکاوی آموزه‌های اسلامی به‌انگیزه یافتن شواهدی بر امکان‌پذیری تعامل اسلام و پارلمانتاریسم، در قالبی گسترده با ظهور نوع‌نماینان به‌ویژه نامق کمال (۱۲۵۶-۱۸۴۰-۱۸۸۸/۱۳۰۵)، علی سعاوی (۱۲۹۴-۱۸۷۷/۱۲۵۳-۱۸۳۷)، ابراهیم شناسی (۱۲۸۸-۱۸۷۱/۱۲۴۲-۱۸۲۶)^۳ و ضیاءپاشا (۱۲۹۷-۱۸۸۰/۱۲۴۱-۱۸۲۵) نمایان شده

۱. کواکبی (۱۳۶۴)، *طبایح الاستبداد*، ترجمه عبدالحسین قاجار، به کوشش صادق سجادی، تهران، نشر تاریخ ایران، ص ۲۸، ۳۰، ۳۵، ۹۴. روزنامه «*المنار*»، به نقل از روزنامه «*صور اسرافیل*»، شماره ۲۲، ص ۲.

۲. برای آگاهی از رویکرد منابع تاریخ‌نگاری دوره قاجار (رساله، روزنامه یا کتاب) درباره تطبیق پارلمانتاریسم و اسلام، رک: بی‌نا (۱۳۸۰)، *رسائل سیاسی عصر قاجار*، به کوشش غلامحسین زرگری‌نژاد، تهران، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی، ص ۷۶، ۲۶۲-۲۶۶، ۲۹۶ و ۵۱۳؛ بی‌نا (۱۳۷۷)، *رسائل مشروطیت، مجده رساله و لایحه درباره مشروطیت*، به کوشش غلامحسین زرگری‌نژاد، تهران، چاپ دوم، انتشارات کویر، ص ۱۳۴، ۱۳۹-۱۴۱، ۱۵۹، ۱۵۵، ۱۷۴-۱۷۷؛ روزنامه «*قانون*»، نمره ۹، ص ۱-۲؛ روزنامه «*صور اسرافیل*»، شماره ۲۲، ص ۵؛ میرزا محمدمعین‌الاسلام بهبهانی (۱۳۸۵)، *مفتاح التمدن فی سیاسه الممدن*، به کوشش علی‌اصغر حقدار، تهران، نشر مهرنامگ، ص ۷۸؛ میرزایوسف‌خان تبریزی مستشارالدوله (۱۳۸۶)، *رساله موسوم به یک کلمه*، به کوشش علیرضا دولتشاهی، تهران، نشر بال، ص ۵۲-۵۳؛ حاجی زین‌العابدین مراغه‌ای (۱۳۵۷)، *سیاحت‌نامه ابراهیم‌بیک*، بی‌جا، انتشارات سپیده، ص ۵۵۰؛ بی‌نا (۱۳۸۷)، *رسائل مشروطیت: مشروطه به روایت موافقان و مخالفان*، تهران، انتشارات مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، ج ۲، ص ۱۵۸، ۱۷۰، ۱۷۹، ۶۶۲، ۶۷۹، ۶۷۷-۷۸، روزنامه «*جبل‌المتین*»، سال ۷، ش ۱۰، ص ۱۱۲، ش ۲۹، ۱۲ صفر ۱۳۱۸، ص ۱۲-۱۳، ش ۳۴، ص ۱۰، سال ۸، ش ۱۰، ص ۲۲، ش ۳۶، ص ۱۹؛ مهدیقلی‌خان هدایت (بی‌نا)، *خاطرات و خطرات*، چاپ سوم، بی‌جا، کتابفروشی زوار، ص ۱۴۷.

۳. برای آگاهی بیش‌تر درباره ابراهیم شناسی، رک:

Ömer Faruk Akiün, "Şinasi", İslam Ansiklopedisi, c.11, ss. 545-553, Mardin. pp. 252-275, Necdet

باشد. به گفته برکس، ظهور نوعثمانیان را می‌توان دومین و مهم‌ترین خیزش پس از شکل‌گیری «انجمن محافظه شریعت» در برابر تنظیمات دانست که احیای شریعت را در قالب مجلس نمایندگی دنبال می‌کرد (Berkes, ibid: ۶۰). نوعثمانیان که به رکود اندیشه‌های اسلامی در دوره‌های پیشین به‌ویژه دوره تنظیمات باور داشتند (۲۱۷-۲۱۶، ۲۰۹، ۲۰۶، Ibid)، در احیای قوای مسلمانان و ایستادگی در برابر دخالت‌های بیگانگان کوشیدند (حریت، نومرو ۴، ص ۲-۳).^۱ اعتقادات اسلامی در اندیشه نوعثمانیان به اندازه‌ای بود که سعاوی آنان را «جمعیت اسلامی» می‌خواند (Çelik, aynı: ۳۴۰). مفهوم «سیاست اسلامی» در نوشته‌های وی، بر این گرایش فکری اش دلالت می‌کند (Neş'et Halil, sayı ۳۰، ۱۹۴۵:۹).

نوعثمانیان در تعریف این تعامل و توجیه نظام مشورتی خود، به احادیث گوناگونی مانند «اختلاف امتی، رحمة» (حریت، نومرو ۴، ۴) یا «سید القوم خادمهم» (حریت، نومرو ۴، ۱) استناد می‌کردند. هم‌چنین آیه‌های «وامرهم شوری بینهم» (شوری، آیه ۳۸) و «و شاورهم فی الامر» (آل عمران، آیه ۱۵۹)، از مهم‌ترین آیاتی بودند که آنها را در توجیه این نظام مشورتی به کار می‌گرفتند. برای نمونه، نامق کمال به بنیادهای اعتقادی اسلامی بسیار پای‌بند بود و برای تطبیق اندیشه‌های نو با سنت‌های اسلامی لندن و پاریس (۲۱۲، ۵۲-۵۵، ۲۰۰۵: Yılmaz Aydoğdu, Kara، ۲) پارلمان رومانی (Davison, ibid: ۱۹۴) یا نظامات اساسی کشورهای چونی فرانسه توجه می‌کرد (۳۰، Günüş, aynı: ۳۰)، اما برای سازگار کردن همان مفاهیم با اندیشه‌های اسلامی تلاش

Hayta, *Tasvir-i Efkar Gazetesi*, Ankara: T.T.K Yayınlar, birinci baskı, 2002, ss. 5-13.

۱. برای آگاهی بیش‌تر از اندیشه‌های نامق کمال درباره نفوذ بیگانگان، ر.ک: «حریت»، نومرو ۳۴، ۳ ذی‌قعدة ۱۲۸۵ و مقاله‌های او در روزنامه «عبرت» که در کتاب زیر به چاپ رسیده است:

Namık Kemal, *Osmanlı modernleşmesinin meseleleri, bütün makaleleri*, Nergiz Yılmaz Aydoğdu, İsmail Kara, İstanbul, Dergah Yayınları, birinci basım, 2005, cilt 1, "Nüfus", ss. 69-79, "Şark meselesi n", ss. 150-159, "Tanzimat", ss. 221-224.

۲. Namık Kemal, "Terakki", ss.212, Namık Kemal, "Hukuk", ss. 52-55.

کمال، نامق، «حریت»، نومرو ۱۲، ۱۴ ایلول ۱۸۶۸.

مقاله‌های «ترقی» و «حقوق» نیز از مجموعه مقاله‌های نامق کمال در روزنامه «عبرت» است: نامق کمال، «ترقی»، عبرت، نومرو ۴۵، ۳ رمضان ۱۲۸۹، ص ۱-۳؛ نامق کمال، «حقوق»، عبرت، نومرو ۵، ۱۳ ربیع الآخر ۱۲۸۹، ص ۱-۲.



می‌کرد و برای توجیه نهادهای غربی، به قرآن و سنت اسلامی پناه می‌برد. وی در برابر این نظر ایستاد که مذهب ترک‌ها موجب عقب ماندن آنان است (Berkes, ibid: ۲۱۵) و حاکمیت مردم را همان حق بیعت یاد شده در شرع خواند (Yılmaz Aydoğdu, Kara, aynı: ۱۲۴). هم‌چنین اهمیت مشورت را در اسلام گواهی بر دعوی خود می‌شمرد (حریت، نومرو ۴، ۱-۳).^۲

نامق کمال کوشید قانون‌های شریعت اسلام را نیز همان «قوانین طبیعی» بخواند (Yılmaz Aydoğdu, Kara, aynı: ۵۲-۵۵) و حکومت اسلام را در آستانه ظهور گونه‌ای از جمهوری بداند (حریت، نومرو ۱۲، ۶).^۳ وی هم‌چنین اروپاییان را به دلیل نداشتن شریعت، از چنگ زدن به دامن فلسفه ناگزیر می‌دانست و حتی فقه و قانون‌های اسلامی را در بسیاری از نمونه‌ها برتر قانون‌های اروپایی می‌خواند (Berkes, ibid: ۲۱۷). نامق کمال برجسته‌ترین «نظریه‌پرداز» نعثمانیان بود که بر جایگاه اسلام و اندیشه‌های اسلامی در نوگرایی و ایجاد درکی عمومی از اندیشه‌های نعثمانیان تأکید می‌کرد.

سعادی و نسبت پارلمان‌تاریسم و اسلام

او در رمضان ۱۲۵۵ (نوامبر ۱۸۳۹) در محله جراح‌پاشای استانبول چشم به جهان گشود (Neş'et Halil, sayı ۲۵, ۱۹۴۴: ۶). پدرش، حسین‌آغا تاجر کاغذ بود (Uçman, ۱۹۸۹: ۴۴۵; Mardin, ۲۰۰۰: ۳۶۰). سعادی در رشدیه داوودپاشا درس خواند و

۱. Namık Kemal, "Hukuk-ı Umumiye", s. 124.

نامق کمال، «و شاورهم فی الامر»، حریت، نومرو ۴، ۲۰ تموز ۱۲۸۵، ص ۱-۳.
 ۲. برای آگاهی از مقاله‌های نامق کمال درباره اصول مشورت، رک: حریت، نومرو ۱۱، ۷ ایلول ۱۲۸۵، ص ۸؛ نومرو ۱۲، ۱۴ ایلول ۱۲۸۵، ص ۵-۸؛ نومرو ۱۳، ۲۱ ایلول ۱۲۸۵، ص ۶-۸؛ نومرو ۱۴، ۲۹ ایلول ۱۲۸۵، ص ۵-۸؛ نومرو ۱۶، ۱۲ تشرین اول ۱۲۸۵، ص ۷-۸؛ نومرو ۱۷، ۱۹ تشرین اول ۱۲۸۵، ص ۶-۸؛ نومرو ۱۸، ۲۶ تشرین اول ۱۲۸۵، ص ۶-۸؛ نومرو ۲۰، ۹ تشرین ثانی ۱۲۸۵، ص ۸؛ نومرو ۲۲، ۲۳ تشرین ثانی ۱۲۸۵، ص ۶-۸.

۳. Namık Kemal, "Hukuk", cilt 1, ss. 52-55.

۴. مقاله‌های نامق کمال درباره مشورت با عنوان «اصول مشورت حقنه مکتوبلر» بعد از مشروطه در این کتاب به چاپ رسید: نامق کمال (۱۹۱۱)، *مقالات سیاسی و ادبیه*، استانبول، ص ۱۷۶-۲۳۱.
 ۵. مقاله «علی سعادی از دیدگاه خودش» (Ali Suavi kendine göre) در قالب هشت بخش در مجله *استانبول* به چاپ رسید. جز مطالبی درباره زندگی سعادی، دیگر مطالب مقاله، از نوشته‌های سعادی در روزنامه «علوم» برگرفته شده که در هشت شماره «استانبول» آمده است.

پس از آن، چند سال در قالب کاتب، در باب سرعسکری استانبول به کارهای دولتی پرداخت (Uçman,aynı: ۴۴۵). سعاوی زمانی در رشديه بورسوا و رشديه سیموا، معلمی کرد و از ۱۲۸۳ (۱۸۶۶) در مسجد شاهزاده، وعظ می‌گفت؛ چنان‌که پس از چندی به خطیب زبردستی بدل شد و در این زمینه آوازه‌ای یافت. به گفته خودش، فؤادپاشا نیز گاهی در آیین سخنرانی‌های او شرکت می‌کرد (Uçman,aynı:۴۴۵).

او هم‌زمان با این سخنرانی‌ها، در قالب نوشتن مقاله‌های سیاسی و اجتماعی با روزنامه مخبر فیلیپ افندی همکاری می‌کرد که پس از نوشتن نقد تندی درباره سیاست‌های دولت عثمانی در بلغراد و مصر، این روزنامه بسته و سعاوی بیستم شوال ۱۲۸۳ (۲۵ فوریه ۱۸۶۷) به کاستامونو تبعید شد (Neş'et Halil, sayı ۲۵,۱۹۴۴:۶; Davison, ibid: ۲۰۸-۲۰۹). وی چند ماه پس از این، با کمک مالی مصطفی فاضل پاشا، به اروپا رفت و نامق کمال و ضیاءپاشا در ایتالیا به او پیوستند و سعاوی با ایشان راهی پاریس شد، اما پس از چندی بر اثر اختلاف‌هایشان در رویکردها، میان آنان جدایی افتاد و او خود به تنهایی کارهای مطبوعاتی‌اش را از سر گرفت. او پس از چند سال ماندن در اروپا، به استانبول بازگشت (Uçman,aynı:۴۴۵; Davison, ibid: ۲۰۹) و در آن‌جا نیز کوشش‌های اعتراضی خود را دنبال کرد و سرانجام در ربیع‌الثانی ۱۲۹۴ (می ۱۸۷۷) پیشاپیش گروهی شورشی کشته شد. این گروه می‌خواست سلطان عبدالحمید دوم را به زیر بکشد و مراد پنجم را بر جای او بنشاند (Neş'et Halil, sayı ۲۵,۱۹۴۴:۶).

سعاوی افزون بر تحصیلات دینی (Davison, ۱۹۲) بر «نصایح ابوحنیفه» نیز شرحی نوشت^۱ و در هجده سالگی به مکه رفت (Neş'et Halil, sayı ۲۵,۱۹۴۴:۶). به گفته خودش، «کل تاریخ دولت اسلامی به‌ویژه عثمانی را یک بار از آغاز تا پایان» خوانده بود (Neş'et Halil, sayı ۲۶,۱۹۴۴:۸). دیویسون از سخنان تند وی درباره حکومت یاد کرده است. (Davison, ۱۹۲, ۲۰۸, ۲۱۷).^۲ سعاوی اصلاح مذهبی

۱. برای آگاهی از مجموعه آثار سعاوی، ر.ک:

Uçman, Abdullah, "Ali Suavi", Türkiye Diyanet Vakfı İslam Ansiklopedisi, Cilt 2, İstanbul, 1989, ss.447-448.

۲. درباره سعاوی، داوری‌های گوناگون و گاه تندی در پژوهش‌ها عرضه شده که ماردین در کتاب خودش در مقدمه‌ی مقاله «علی سعاوی از دیدگاه خودش» به آنها پرداخته است:



را نقطه آغازین احیای کشوری اسلامی و قانون آن می‌دانست و بر آن بسیار تأکید می‌کرد (لوییس، همان، ۲۰۷). او حدیث را بیش از دیگر علوم شرعی دوست می‌داشت؛ چنان‌که او را «دوست‌دار حدیث» و حتی «محدث» نامیده‌اند (Neş'et Halil, sayı ۲۵, ۱۹۴۴:۷). سعادی هم‌چنین بر تأثیرپذیری فراوان از ستم‌ستیزی موجود در احادیث (Neş'et Halil, sayı ۲۵, ۱۹۴۴:۷) و توانایی و برتری شریعت بر همه کارها (Mardin, ۲۰۰۰: ۳۶۷) تأکید می‌کرد.^۱ او حاکم حقیقی و صاحب قدرت کامل را تنها خداوند (Neş'et Halil, sayı ۳۰, ۱۹۴۵:۹) و فقه اسلامی را «جوامع الاحکام»، «کرامت بشریه» و ناآشکارا، بی‌مانند می‌دانست (Neş'et Halil, sayı ۲۹, ۱۹۴۵:۸, sayı ۳۰: ۹).

سعادی در جست‌وجوی علل «ضعف حکومت اسلامی» بود و در سلسله مقاله‌های روزنامه مخبر با عنوان «امراض داخلیه»، به واکاوی این موضوع پرداخت. او نخستین بیماری را «مرگ علما» می‌دانست و هیچ‌یک از «امراض را بدون گریزی به شریعت و جایگاه آن به بحث نمی‌گذارد، بلکه با استناد به قرآن (آل عمران، آیه ۱۰۴)^۲ و شیوه امام علی و خلیفه دوم در بزرگ‌داشت جایگاه «علما»، بر این بود که بزرگان تاریخ اسلام در کارهای خود به ایشان مراجعه می‌کردند (امراض داخلیه، مخبر، نسخه ۱۹، ۳). به گفته او، علما در دوره نخستین تاریخ اسلام با حضور در مجالس گوناگون، چنانچه کار نامشروعی می‌دیدند، در قالب فتواها و قانون‌ها به شیوه اجرایی حکومت درباره آنها اعتراض می‌کردند و فتوهای آنان با شرع سازگار بود. به هر روی، هیچ حکم نامشروعی در «حکومت مشروعه اسلام» نبود (امراض داخلیه، مخبر، نسخه ۱۹، ۳).

سعادی همچون دیگر نوعثمانیان در پی جستن راهکاری برای پرسش و دغدغه خود درباره عثمانی بود و «سکوت بر ظلم» را از دیگر «امراض داخلیه» برمی‌شمرد و بر پایه حدیثی از پیامبر، سکوت مردم را در برابر حرکات ظالم، تأیید نمی‌کرد (امراض داخلیه، مخبر، نسخه ۱۹، ۴). البته او درباره شیوه ایستادگی در برابر حکومت ظالم سخن نگفته

Neş'et Halil. Atay, "Ali Suavi kendine göre", İstanbul mecmuasi, 1944, sayı 25, s. 6 Mardin, p. 360.
۱. این نقل قول از مقاله «الحاکم هو الله» روزنامه «علوم» گرفته شده که در شماره ۲۲ ربیع‌الآخر ۱۲۸۶، ص ۱۸ آمده است.

۲. «ولتکن منهم امة یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و اولئک هم المفلحون». این آیه را نویسنده رساله «مکالمات مقیم و مسافر» درباره لزوم ایستادگی در برابر ظلم حاکمان به کار گرفته است: *مجدد رساله و لایحه درباره مشروطیت، ص ۴۴۵.*

و به سکوت بر ظلم در همان حد تأکید سنت بر اعراض از آن پرداخته و توضیح نداده است که چگونه در برابر ظلم باید ایستاد؛ در قالب قیام یا از راه حکومت شورایی؟ آثار تأکید او بر نظام شورایی مطلوبش، در برشمردن دیگر «امراض» مانند «مرگ علما» آشکارا است، اما «ترک مشورت» را نیز از دیگر بیماری‌های حکومت اسلامی می‌شمرد. آرمانی بودن جامعه صدر تاریخ اسلام از دید سعاوی و آگاهی وی به علم حدیث موجب شد که او در این باره نیز به سنت یا احادیث چنگ زند و همچون نمونه‌های پیشین، بر رویکرد پیامبر به موضوع مشورت تأکید کند؛ چنان‌که مخاطب آیه «و شاورهم فی الامر» را «نبی ذی شأن» و ضمیر «هم» را به «امت» راجع می‌داند (۱۹) نومروده‌کی امراض داخلیه نک مابعدی، مخبر، نسخه ۲۰، ۱-۲). اجازه دادن پیامبر به اصحاب برای اعتراض، پرسش یا مجادله در گزینش اسامه بن‌زید برای فرماندهی لشکر، گواه تاریخی او در تأیید این دعوی است (همان). باری، سعاوی درباره مرجع ضمیر «هم» توضیح نمی‌دهد.

گروه‌های قومی و دینی^۱ گوناگونی در حکومت عثمانی می‌زیستند و حکومت به دنبال راهی می‌گشت تا آنان را در سایه نظام فراگیر عادلانه‌ای حفظ کند. نظام مشروطیت می‌توانست این خواسته را پاسخ گوید. سعاوی نیز خود لزوم ایجاد مجلس مشورت را از دلایل کاهش تفرقه میان این گروه‌ها و اداره درست کارها می‌دانست (مخبر، نسخه ۲۶، ۱-۲). آیا گروه‌های گوناگون حاضر در جغرافیای این امپراتوری از دید سعاوی مرجع ضمیر «هم» بودند؟ او بارها بر نظام شورایی مقصودش تأکید کرد، اما بدین پرسش هیچ‌گاه پاسخ نگفت و درباره کاربرد آن در عثمانی آن روزگار توضیح نداد.

طرح صدر اسلام در قالب الگوی زمانه معاصر از دید سعاوی تنها به دوره پیامبر نمی‌انجامید، بلکه از دید او عصر پس از پیامبر نیز دوره‌ای بود که سنت مشورت در آن دنبال شد. برپایی مجلسی از علما به همت خلیفه دوم به نقل از صحیح بخاری، شیوه این خلیفه در مشورت با مهاجران درباره کارهای مختلف بر پایه روایتی از امام صادق و به انجام رساندن موضوع مالیه در زمان این خلیفه بر پایه مشورت (۱۹)

۱. برای آگاهی از گروه‌های گوناگون عثمانی، رک: شاو، همان، ج ۲، ص ۳۴۶ - ۳۴۹، ص ۴۱۰-۴۱۴.



نومروده‌کی امراض داخلیه نک مابعدی، مخبر، نسخه ۲۰، ۲) نمونه‌هایی‌اند که سعادی آنها را گواه پیوستگی سنت مشورت پس از پیامبر برمی‌شمرد. او ترقی «حکومت اسلامی» را بر پایه اهمیت مشورت توجیه می‌کرد و با تأکید بر لزوم اجرای دقیق شرع و قانون «بلا زیاده و لا نقصان»، عادل‌ترین حاکم را کسی می‌دانست که از دیگران نیز در مشورت یاری گیرد (همان)، اما روشن نمی‌کرد که این «اصول مشورت» را چگونه می‌توان برای عثمانی سده نوزدهم به کار بست؛ یعنی چارچوب اصول مشورت مقصود او روشن نیست، بلکه گاهی بر مجلس ملی تأکید می‌کرد و گاهی آن را به مشورت حاکم با دیگران فرومی‌کاست.

سعادی همچنان در واکاوی «امراض داخلیه» بار دیگر به «مجلس مشورت» توجه کرد و به بحث‌هایی در این زمینه پرداخت. او در مقاله «مشورت مجلسی اولمادقجه دولت یشاماز»^۱ به چرایی ناپایداری دولت بدون مجلس پاسخ گفت و نخستین دلیل این ناپایداری را از میان رفتن عدالت دانست؛ زیرا بدون مجلس نمی‌توان عدالت ورزید و بدون عدالت هم دولت پایدار نخواهد ماند: «یشاماز زیرا عدالت اولماز، عدالتسز دولتک بقاسی اولماز» (سؤال و جواب، مخبر، نسخه ۲۲، ۳).

سعادی با نگاه به برخی از تجربه‌های زمانه همچون مصر، «اصول مشورت» و «مشروطیت» را در بردارنده پیشرفت می‌دانست و با توجه به این دو پدیده مهم؛ یعنی تجربه‌های زمانه و تأکید دین اسلام، بر ضرورت مشورت انگشت می‌نهاد و از لزوم رفتن به سوی آن دم می‌زد (مخبر، نسخه ۲۶، ۱)، اما عثمانی را گرفتار «تذبذب» می‌دانست که نه همچون روسیه حاکمیت مطلقه در آن فرمان می‌راند و نه در بردارنده «اصول حق و عدالت» بود (مخبر، نسخه ۲۶، ۱). پراکنده‌گویی‌های سعادی و نداشتن چارچوبی منظم در این جا نیز آشکار است و او توضیح نمی‌دهد که چگونه مجلس می‌تواند عدالت را برپا کند. وی در قالب پرسش و پاسخی، به اصل مشورت پرداخت. نخستین پرسش این بود: آیا با وجود شریعت به «مجلس ملی» نیز نیاز هست؟ او در قالب بازگشت به سنت پیامبر و تأکید بر لزوم مشورت با «ملت»، پاسخی مثبت فراروی

۱. «بدون ایجاد مجلس مشورت، دولت نمی‌تواند دوام بیاورد».

این پرسش می‌نهاد و بار دیگر بدون هیچ توضیحی یا عرضه برنامه مشخصی، تنها بر این دو نکته تأکید می‌کرد: ۱. پیشینه داشتن شورا در اسلام؛ ۲. لزوم تشکیل مجلس مشورت.

چنان‌که به نقل از روزنامه «لاترکی» نوشته است، هیچ چاره‌ای جز تشکیل مجلس مشورت نیست (سؤال و جواب، مخبر، نسخه ۲۲؛ ۴)؛ یعنی پایه‌های محکم برای عثمانی تنها بر «اصول مشورت» استوار خواهد شد (مخبر، نسخه ۲۶، ۱)، اما توضیحی درباره این پایه‌ها و چگونگی استوار کردن آنها بر پایه این «اصول» در کار نیست. سعوی همواره در نوشته‌هایش بر لزوم به کارگیری اصول اسلامی برای عثمانی تأکید می‌کرد و «نظام مادی» و «قانون‌های مادی» را برای اداره عثمانی نمی‌پذیرفت (۸: ۲۶، ۱۹۴۴، Nes'et Halil, sayı) و با اذعان به توانایی اسلام در راه‌اندازی حکومت، رهایی را از حکومت مطلقه در عثمانی تنها در توسل به اصول مشورت می‌جست (اصول مشورت، مخبر، نسخه ۲۷، ۱). وی این سخن را که در شریعت اصول مشورت وجود ندارد، «خطایی بزرگ» می‌خواند و بار دیگر به همان آیه «و شاوَرَهُمْ فِی الْأَمْرِ» ارجاع می‌داد و دو حدیث عربی و ترجمه ترکی یکی از احادیث «ابن القیم» را در مقاله‌اش می‌گنجاند:

۱. «المشاورة اصل فی الدین و سنه الله فی العالمین و هی حق علی عامه الخلیفه من الرسول الی اقل الخلق»؛^۱

۲. «لاسیاسه الا ما وافق الشرع» (اصول مشورت، مخبر، نسخه ۱، ۲۷).

سعوی با آوردن این احادیث برای یافتن ریشه‌های مشورت تلاش می‌کرد و بر دیدگاه یاد شده‌اش درباره تحقق عدالت در سایه مجلس مشورت دوباره تأکید می‌کرد، اما این بار نیز بحث او درباره نظام شورایی با همان تأکید بر جایگاه مشورت در اسلام پایان یافت و او افزون بر تکرار آیه پیشین، تنها دو حدیث برای اثبات دعوی‌اش بر آن افزود.^۲

۱. این حدیث را مستشارالدوله نیز در تأیید اصل مشورت به کار برده است: **یک کلمه**، ص ۵۳.

۲. سعوی برای «مرض» دیگر؛ یعنی «تقلید» نیز بدین مشکل دچار می‌شود. او پس از ارجاع به احادیث «الناس علی دین ملوکهم» و «من تشبه قوماً فهو منهم»، گویی مصداقی نمی‌یابد و به همان سامان دادن امور مالیه در دوره خلیفه دوم و این بار از دیدی دیگر؛ یعنی تقلید نکردن از رومی‌ها اشاره می‌کند. ر.ک: «۱۹» نومروده‌کی



عدالت از مفاهیمی است که در اندیشه سعادی مطرح شد و از این‌رو، دیدگاه او در این باره شایسته بررسی است.^۱ عدالت در آرای سعادی از مستلزمات «حکومت مشروعه» (امراض داخلیه، مخبر، ۱۹، ۴) و دارای جایگاه مهمی به شمار می‌رود؛ چنان‌که ظهور آن را در هر شکلی، تحقق یافتن شرع و دین می‌داند: «عدالت هر نه طریق و هر نه ترتیب ایله ظهور ایدرسه ایتسون اشته شرع الله و دین الله اودر^۲» (اصول مشورت، مخبر، نسخه ۲۷، ۱). همچون دیگر آرای سعادی، درباره عدالت نیز نمی‌توان به تعریف منسجمی در نوشته‌هایش دست یافت؛ زیرا او از سویی راه برون‌رفت از مخاطرات را عدالت و عدالت را عین مساوات می‌داند^۳ (مخبر، نسخه ۲۶، ۲) و از سوی دیگر، مساوات را برابری «مال» و «شرف» و برابری «ادنی و اعلا» با یک‌دیگر نزد شریعت از دید حقوقی تعبیر کرده است: «اشته شریعتمز بزه گوستریورکه حقوقجه ادنا و اعلا حضور شرعه مساوی طوتیلاجقدر» (امراض داخلیه، مخبر، نسخه ۱۹، ۴).^۴

بنابراین، شاید سعادی به گمان خود تصویری از این مفاهیم عرضه می‌کرد، اما سرانجام خواننده مقاله‌های او مقصودش را از عدالت و مساوات در نمی‌یابد. حتی اگر این مفهوم نیز روشن باشد، راهکار او برای عملی کردن آنها در جامعه روشن نیست؛ زیرا در جایی عدالت را به مساوات تعریف می‌کند، اما در روزنامه «علوم» عدالت را توجه حکومت به «منفعت عامه» یا «منفعت جماعت» می‌داند که امنیت جان، مال و عرض را در برمی‌گیرد (Neş'et Halil, sayı ۳۰، ۱۹۴۵:۹). او هم‌چنین اجرای عدالت را به تغییر شیوه اداره و تمسک به اصول مشورت وابسته می‌داند (مخبر، نسخه ۲۶، ۲)، اما هیچ چارچوب مشخصی برای آن عرضه نمی‌کند؛ یعنی این پرسش در آثار او پاسخ

امراض داخلیه مابعدی»، مخبر، نسخه ۲۰، ص ۳.

۱. نامق کمال نیز در روزنامه «حریت»، چهارده بار به عدالت اشاره کرده است. ر.ک:

Çelik, "Yeni Osmanlılar cemiyeti ve Türkiye'de parlamenter sistem tartışmalarının başlaması", Osmanlı Ansiklopedisi, Cilt VII, Ankara, 2000, 346.

۲. «عدالت به هر طریق و در هر شکلی متجلی شود، همان شرع خداوند و دین خداوند است».

۳. سعادی «عدم مساوات» را از «امراض» حکومت اسلامی می‌شمرد و مصداق رعایت مساوات را در سنت پیامبر،

خلیفه دوم و امام علی می‌جوید. ر.ک: «امراض داخلیه»، مخبر، ۱۹، ص ۴.

۴. «بنابراین شریعت ما نشان می‌دهد که ادنی و اعلا از نظر حقوقی در برابر شرع مساوی‌اند».

نمی‌یابد که چگونه مجلس مشورت مقصود او می‌تواند در ایجاد عدالت و پیش از آن، مساوات تأثیرگذار باشد؛ مجلسی که او در هیچ‌یک از آثارش به چند و چون آن نپرداخته است.

با آغاز خیزش نوعثمانیان، خرده‌گیری به رویکرد «مردان تنظیمات» و سیاست «باز کردن درهای عثمانی به روی غرب» آغاز شد که ایشان نیز از مدافعان سرسخت آن بودند. افزون بر نامق کمال که در آثارش بر این موضوع و لزوم بازیابی جایگاه امپراتوری در برابر غرب تأکید می‌کرد، سعاوی در آثار گوناگونش به خرده‌گیری از غرب می‌پرداخت. او بر این باور بود که اداره جامعه نیز بر پایه «کیف ما یشاء» ممکن نیست، بلکه با توجه به مسلمان بودن جامعه باید بر پایه «اصول مشورت»، «مشروطیت»، «کتاب»، «سنت» و «اجماع امت» رفتار کرد؛ زیرا اسلام بر «حریت» و «عدالت» بنیاد یافته است و اینها را عقل نیز تأیید می‌کند (مخبر، نسخه ۲۶، ۲).

بعدها سیف‌الدین افندی نیز در کمیسیون قانون اساسی تأکید کرد که مشورت بر اساس عقل و نقل، با اسلام منطبق است (Berkes, ibid: ۲۳۳).

سعاوی دیدگاه اروپاییان را درباره ناتوانی حکومت‌های اسلامی در ایجاد حکومت نامستبد نمی‌پذیرد و با تأکید بر ضرورت وجود مجلس، دولت اسلامی را در بردارنده شریعت، قانون و سیاست می‌داند (Neş'et Halil, sayı ۳۰، ۱۹۴۵:۹-۱۰).

تلاش سعاوی را برای آشکار کردن توان‌مندی‌های اسلام و حتی برتری‌اش بر غرب در زمینه سیاسی، در آثار او می‌توان یافت. تأکید سعاوی بر توانایی مسلمانان در اداره جامعه با توجه به همان اصل مشورت که در برخی از آثارش بدان می‌پردازد، به گونه‌ای بر کوچک شمردن مسیحیان دلالت می‌کند: «مشتی انگلیسی مسیحی به کمک هندیانی که بیش‌تر آنان مسلمانند، با [توسل به] مشورت کشور خود را روز به روز به سوی پیشرفت سوق می‌دهند» (مخبر، نسخه ۲۶، ۱).^۱ او توضیح نداده که چرا «دولت‌های اروپایی» را در شمار حکومت‌های «مقیده» آورده است (اصول مشورت، نسخه ۲۷، ص

۱. «بر آووج انگلیز خرستیانی یوز اللی ملیون هندی یه خصوصاً قرق ملیون مسلمانانه مشورتله حکم ایلپور و گوندن گونه استفاده‌سی ترقی ایده یور».



۱). سعادی هم‌چنین با آوردن مبحثی درباره «کنستتسیون» و اصول نوزده‌گانه آن در فرانسه، حکومت نخستین اسلام را «کنستتسیون» می‌خواند و بر این باور است که حتی بر دولت‌های دیگر برتری دارد و پایداری‌اش بیش‌تر است.^۱

سعادی «کنستتسیون» را در دولت‌های غیر اسلامی ناپایدار می‌داند؛ زیرا با چیره شدن گروه کوچکی از میان می‌رود (خطبه، مخبر، نسخه ۳۴، ۲). وی از نخستین نوعثمانیانی بود که واژه «دموکراسی» را به کار برد و شکل آغازین حکومت را در تاریخ اسلام، «دموکراسی» خواند (Çelik, aynı: ۳۴۷).^۲ سعادی به عمد یا سهو، هیچ توضیحی درباره برداشت خود از کنستتوسیون، دموکراسی و دیگر گونه‌های حکومتی غربی عرضه نکرده و نه در ارائه تصویری از این شیوه‌های حکومتی کوشیده و نه به اثبات دعوی خود؛ یعنی وجود چنین حکومت‌هایی در صدر تاریخ اسلام پرداخته و همین موجب شده است که بحث او درباره این شیوه‌های حکومتی و سازگاری آنها با اسلام، همچون دیگر بحث‌های او تنها در حد گفته‌های گنگ و شورمندانه بماند.

سعادی در دنباله بحث‌هایش به گونه‌های مختلف حکومت اشاره می‌کند و این تقسیم‌بندی را نیز بر پایه رویکرد خود به شریعت استوار می‌کند و می‌نویسد: اگر حکومتی از چارچوب معین در شریعت فراتر نرود، «مقیده» و به گفته کسانی «مشروطه» و اگر تنها بر پایه خواسته‌های خود پیش رود، «مطلقه» است (اصول مشورت، مخبر، نسخه ۲۷، ۱). بنابراین، او حکومت صدر تاریخ اسلام را از حکومت‌های «مقیده» می‌داند؛ زیرا حکومت آغازین اسلام از محدوده شرع ذره‌ایی در نمی‌گذشت و گرنه، «علما» به دفاع از آن نمی‌پرداختند و این چیزی جز رعایت «امر بالمعروف و نهی عن المنکر» نیست (اصول مشورت، مخبر، نسخه ۲۷، ۱)؛ اصلی که بعدها مدحت پاشا نیز بدان استناد کرد تا انتقادش را از حکومت، موجّه نماید (حضرتی، ۱۳۸۹، ۲۶۹). سعادی با توجه به همین اصل، قانون سلطان سلیمان

۱. سعادی با استناد به سخن عمر درباره «من رأی منکم فی اعوجاجاً فلیقومه»، «حریت» یا همان «لیبرته» فرانسوی

را نیز در تاریخ اسلام جست‌وجو می‌کند. ر.ک: «خطبه»، مخبر، نسخه ۳۷: ۱.

۲. این مقاله در روزنامه «علوم» به چاپ رسید: «دموکراسی، حکومت خلق، مساوات»، علوم، نومرو ۱۸، ص ۱۰۸۳.

۱۵۶۶-۱۴۹۵م) را قانونی می‌داند که با گرفتن «عهد و میثاق» از «علما» و «وزراء» بر پایه حفظ امر به معروف و نهی از منکر استوار باشد (اصول مشورت، مخبر، نسخه ۲۷، ص ۱؛ خطبه، مخبر، نسخه ۳۴، ۲). با اینکه از دید سعاوی رویکرد به شریعت مبنای تعیین «مقیده» و «مطلقه» است، وی از ملاک پی بردن به تخطی یا عدم تخطی از شرع سخنی به میان نمی‌آورد.

او پس از پرداختن به حکومت و انواع آن در اسلام، به موضوعی دیگر؛ یعنی کسانی می‌پردازد که باید با آنان مشورت کرد. او این «رجال کثیره» و «اشخاص متعدده» را همان «اهل حل و عقد» می‌خواند و مرحله بعدی نظام مقصودش را نیز با بهره‌گیری از مفاهیم اسلامی توجیه می‌کند (اصول مشورت، مخبر، نسخه ۲۷، ۲). وی نماینده‌های مردم را در اصطلاح غربی «وکلائی عامه» و در اصطلاح فقهی «اهل حل و عقد» می‌نامد و دوباره بر وظیفه امر به معروف و نهی از منکر تأکید می‌کند (خطبه، مخبر، نسخه ۳۷، ۱). سعاوی برای پاسخ‌گویی به چگونگی قدرت سلطان در دستگاه جدید، بر حقوق ویژه وی تأکید می‌کند؛ زیرا سپرده شدن امور به «اهل حل و عقد» خود همچون نظر امام خواهد بود. او با ارجاع به «کتاب‌های شرعیه» نوشته است: «و اما فی الشوری فالکل بمنزله امام واحده». هم‌چنین در این باره سخن خلیفه دوم را نقل می‌کند: «انا کمنزله ولی الیتیم». سخنی از عمر را از ابن عربی نیز نقل کرده است (اصول مشورت، مخبر، نسخه ۲۷، ۲). وی قدرت امام را «نامحدود» نمی‌داند؛ زیرا «صلاحیت غیر محدود» و «قدرت کامله» را تنها از آن خداوند می‌داند (Neş'et Halil, sayı ۳۰، ۱۹۴۵:۹).

سعاوی رد قوای سه‌گانه را در اسلام می‌جوید و از آنها با عنوان «مفتی»، «قاضی» و «والی» یاد می‌کند، اما این قوا را زیر نظارت «امام واحد» می‌پذیرد (Neş'et Halil, sayı ۳۰، ۱۹۴۵:۹). هنگامی که سلطان عبدالعزیز (۱۸۷۶-۱۸۶۱م) در نطق «شورای دولت» در محرم ۱۲۸۵ (می ۱۸۶۸) از جدایی حکومت شرعیه و قانونیه سخن گفت (۱۱۴: Seyitdanlioğlu, aynı)، روزنامه مخبر بر آن خرده گرفت و از لزوم تصدیق، تطبیق و امضای احکام به دست شیخ‌الاسلام سخن راند (مهملات، مخبر، نسخه ۳۷، ۲)، اما سعاوی این پرسش را مطرح نکرده است که اگر نظر هر یک از این قوای سه‌گانه با «امام واحد» یا نظر «شیخ‌الاسلام» یا همان «اهل



حل و عقد» یکسان نباشد، تکلیف چیست؟ بنابراین، پاسخی نیز در نوشته‌های او در این باره نیست. گمان می‌رود پراکنده‌نویسی‌های سعادی و نبود نظم منطقی در دیدگاه‌هایش، از این سرچشمه گرفته باشد که وی در آثارش از تلاش برای اثبات توانایی‌های اسلام فراتر نرفت و در پی این نبود که پس از این مرحله به عرضه برنامه‌هایش برای جامعه وقت بپردازد.

بنابراین، با شکل گرفتن اندیشه تطابق اندیشه‌های نو با اسلام و شریعت که نوع‌ثمانیان بدان پرداختند، این روند به صورت محدودتر، هم در آستانه شکل‌گیری مشروطه اول و پس از آن در کمیسیون قانون اساسی به همت هر دو گروه موافق و مخالف مطرح شد (حضرتی، همان، ۱۷۱-۱۸۰؛ Karal, VIII. Cilt: ۵۲-۵۳، ۱۹۴۲؛ Baykal, ۴۹-۵۳، ۴۰-۳۸، ۱۹۶۳؛ ۲۲۶-۲۲۷، ۲۳۳-۲۳۶؛ ۲۱، ۲۲۰). عبدالحمید نیز در حکم مشروطیت و در نطق گشایش مجلس مبعوثان (۱۸۷۷م) از اصول مشورت و پارلمانی نام برد که «شریعت» آن را تجویز کرده است (تقویم وقایع، دفعه ۱۸۶۷، ۱-۳). با آغاز کنش‌های نوگرایان در آستانه مشروطه دوم و حتی پس از شکل‌گیری آن نیز این رویکرد دنبال شد و با ظهور جمهوریت به انزوا رفت (لویس، همان، ۲۷۳؛ رئیس‌نیا، ۸۵۵؛ شاو، ۱۳۷۰، ۴۳۶-۴۳۷، ۴۷۲-۴۷۳).

نتیجه

روند نوسازی در عثمانی سده نوزدهم چنان پیش رفت که برای نوع‌ثمانیان گزیری از برخورد با مفاهیم گفتمانی مدرن غربی نماند. آنان در شناساندن و عرضه این مفاهیم به جامعه عثمانی بسیار تأثیر گذاردند و برای عرضه راهکاری به جامعه عثمانی بسیار کوشیدند؛ جامعه‌ای که در آن زمان به بحران‌های گسترده داخلی و خارجی دچار بود. نوع‌ثمانیان پس از پذیرش ناگزیری عرضه مفاهیم تازه به جامعه، به مسئله چگونگی

۱. نطق عبدالحمید هنگام گشایش رسمی مجلس مبعوثان، در روزنامه «تقویم وقایع» منتشر شد. برای آگاهی از منابع دیگر در این باره، رک:

Kili, Suna, Şeref, Gözübüyük, *Türk anayasa metinleri Senedi İttifaktan günümüze*, Türkiye İş Bankası Kültür Yayınları, birinci baskı, ss.45-50.

Karal, *Osmanlı Tarihi*, VIII.Cilt, Birinci Meşrutiyet ve İstibdad devirleri(1876-1907), T.T.K Yayınları, Ankara, altıncı baskı, 2007, s. 215.

ترجمه فارسی این نطق را همان زمان روزنامه «اختر» نیز در شماره‌ای چاپ کرد: *اختر*، سال سوم، شماره ۱۴، ص ۷۶.

تحقق آنها پرداختند و از آموزه‌های اسلامی برای توضیح و توجیه مفاهیم جدید بهره گرفتند؛ چنان‌که پدیده تطبیق مفاهیم جدید با آموزه‌های اسلامی با شتاب به عرصه اندیشه‌های نوگرایانه عثمانی راه یافت و به گفتمانی حاکم بدل گشت و در قالب روزنامه‌های مختلف پرورده شد. این پژوهش با مطالعه موردی «علی سعاوی» کوشید به این پرسش پاسخ دهد که چگونه و بر چه پایه‌ای، مفاهیم جدید به‌ویژه پارلمانتاریسم در امپراتوری عثمانی به جامعه عرضه شد؟ به گمان، با وجود نگاه شرع‌مدارانه به موضوع نوگرایی و بهره‌گیری از آموزه‌های اسلامی که در قالب فرمان‌ها و دست‌خط‌های گوناگون پیش از نوعثمانیان نیز در جغرافیای عثمانی نمایان شد، این رویکرد با نوعثمانیان گسترش یافت. با تحلیل دیدگاه‌های سعاوی می‌توان دریافت که او برای همه مفاهیم جدیدی که درباره آنها بحث کرد، با بهره‌گیری از انگاره‌های اسلامی (مضامین کتاب و سنت) تلاش کرد همه اندیشه‌های جدید به‌ویژه نظام شورایی را بر پایه اندیشه اسلامی استوار کند و تصویری مردم‌سالارانه از آنها بنماید. تأکید سعاوی بر توان‌مندی‌های اسلام و تلاش او برای یافتن گواهانی در این باره در سنت پیامبر، صحابه و خلفای راشدین، به اندازه‌ای در نوشته‌هایش فزونی گرفت که او دیگر به عرضه راهکارهای مشخص و دارای چارچوب در این زمینه پرداخت. این نوع‌ثمانی برای استوار کردن این اندیشه، بارها چنین مفاهیمی را از قرآن و احادیث به کار می‌گرفت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کتابنامه

الف) منابع فارسی

۱. اختر؛ حبل‌المتین؛ صوراسرافیل؛ قانون (روزنامه‌های فارسی)؛ عثمانلی غزته‌لر؛ حریت؛ مخبر؛ تقویم وقایع (روزنامه‌های ترکی).
۲. مراغه‌ای، زین‌العابدین (۱۳۵۷)، سیاحتنامه ابراهیم‌بیک، بی‌جا، سپیده.
۳. حضرتی، حسن (۱۳۸۹)، مشروطه عثمانی، تهران، پژوهشکده تاریخ اسلام.
۴. هدایت، مهدی‌قلی‌خان (۱۳۶۱)، خاطرات و خطرات، چاپ سوم، بی‌جا، کتابفروشی زوار.
۵. دورسون، داود (۱۳۸۱)، دین و سیاست در دولت عثمانی، ترجمه منصوره حسینی، داود وفایی، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۶. راس، لرد کین (۱۳۷۳)، قرون عثمانی، ترجمه پروانه ستاری، تهران، انتشارات کهکشان.
۷. رئیس‌نیا، رحیم (بی‌تا)، ایران و عثمانی در آستانه قرن بیستم، تبریز، انتشارات ستوده.
۸. زرگری‌نژاد، غلامحسین (۱۳۸۰)، رسائل سیاسی عصر قاجار، تهران، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
۹. — (۱۳۷۷)، رسائل مشروطیت، هجده رساله و لایحه درباره مشروطیت، چاپ دوم، تهران، انتشارات کویر.
۱۰. — (۱۳۸۷)، رسائل مشروطیت؛ مشروطه به روایت موافقان و مخالفان، تهران، مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
۱۱. شاو، استانفورد جی و ازل کورال (۱۳۷۰)، تاریخ امپراطوری عثمانی و ترکیه جدید، ترجمه محمود رمضان‌زاده، مشهد، آستان قدس رضوی.

۱۲. کواکبی، عبدالرحمن (۱۳۶۴)، *طبایع الاستبداد*، ترجمه عبدالحسین قاجار، به کوشش صادق سجادی، تهران، نشر تاریخ ایران.
۱۳. لوئیس، برنارد (۱۳۷۲)، *ظهور ترکیه نوین*، ترجمه محسن علی سبحانی، بی جا، نشر مترجم.
۱۴. بهبهانی، محمد معین الاسلام (۱۳۸۵)، *مفتاح التمدن فی سیاست المدن*، به کوشش علی اصغر حقدار، تهران، نشر مهرنامگ.
۱۵. تبریزی، میرزا یوسف خان مستشارالدوله (۱۳۸۶)، *رساله موسوم به یک کلمه*، به کوشش علیرضا دولت شاهی، تهران، انتشارات بال.
۱۶. نامق کمال (۱۹۱۱)، *مقالات سیاسی و ادبیه*، استانبول، بی نا.

(ب) منابع لاتین

۱۷. Akarlı, Engin D, *Economic Policy and Budgets in Ottoman Turkey*, ۱۸۷۶-۱۹۰۹, □□□□□□ □□□□□□ □□□□□□, □□□. ۲۸, □□. ۳ (□□□., ۱۹۹۲)
۱۸. Berkes, Niyazi, *The Development of Secularism in Turkey*, London: Hurst & Company, 1998
۱۹. Butrus, Abu-Manneh, *The Islamic Roots of Gülhane Rescript*, Die welt Islams, New series, Vol.34, Issue 2(Nov.,1994)
۲۰. Çelik, Hüsein, *Yeni Osmanlılar Cemiyeti Türkiye'de Parlamenter Sistem Tartışmalarının Başlaması*, Osmanlı Ansiklopedisi, cilt VII, Ankara: ۲۰۰۰
۲۱. Davison, Roderic H., *Reform in Ottoman Empire(1856-1876)*, Princeton University Press, 1963
۲۲. Devereux, Robert, *The Ottoman Constitutional Period, A Study of the Midhat Constitution and Parliament*, The John Hopkins Press, 1963
۲۳. Güneş, İhsan, *Türk Parlamento Tarihi, Meşrutiyet Geçiş Süresi: I ve II Meşrutiyet*, Ankara: Türkiye Büyük Millet Meclisi Vakfı Yayınları, ۱۹۹۶
۲۴. Hayta, Necdet, *Tasvir-i Efkar Gazetesi*, Ankara: T.T.K Yayınları, birinci baskı, 2002
۲۵. İnalçık, Halil, *Sened-i İttifak ve Gülhane Hatt-i Hümayunu*, Belleten, T.T.K, Cilt XXVIII(1964), sayı 109-112
۲۶. Jun, Akiba, *The local councils as the origins of the parliamentary system in the Ottoman Empire as a part of development of parliamentarism in the modern Islamic world*, Tokyo, 2009
۲۷. Kanar, Reşat, *Mustafa Reşit Paşa ve Tanzimat*, Ankara: T.T.K, üçüncü baskı, 1991
۲۸. Karal, Enver Ziya, *Selim III'ün Hat-tı Hümaunları- Nizam-ı Cedid-1789-۱۸۰۷*, □□□□□□: □.□.□, ۲.□□□□□, ۱۹۸۸



۲۹. ____, Osmanlı Tarihi, V. Cilt, Nizam-I Cedid ve Tanzimat devirleri(1789-۱۸۵۶), □□□□□□: □.□.□, ۸. □□□□□ □, ۲۰۰۷
۳۰. ____, Osmanlı Tarihi, VII.Cilt. Islahat Fermanı devri(1861-۱۸۷۶),□□□□□□: ۷. □□□□□,□.□.□, ۲۰۰۳
۳۱. ____, Osmanlı Tarihi, VIII Cilt, Birinci Meşrutiyet ve istidat devirleri, Ankara: T.T.K, 6.baskı, 2007
۳۲. ____, Gülhane Hatt-ı Hümayununda batının etkisi, Belleten, Cilt XXVIII, Ekim 1964, sayı 112
۳۳. Kuran, Ercüment, Türkiye'nin batılılaşması ve milli meseleler, Ankara: Türkiye Diyanet Vakfı Yayınları, üçüncü baskı, 2004
۳۴. Lybyer, Albert H, The Turkish parliament, Proceedings of the American Political Science Association, Vol. 7, Seventh Annual Meeting(1910)
۳۵. Lewis, Bernard, Meşveret, İstanbul Üniversitesi Edebyat Fakültesi Tarih Enstitüsü Dergisi, sayı 12(1982)
۳۶. Mardin, Şerif, The genesis of Young Ottoman thought, Syracuse University Press,2000
۳۷. Milgrim, Michael R, An Overlooked Problem in Turkish-Russian Relations: The 1878 War Indemnity, International Journal of Middle East Studies, Vol. 9, No. 4 (Nov., 1978)
۳۸. Namık Kemal, Osmanlı modernleşmesinin meseleleri, bütün makaleleri, Nergiz Yılmaz Aydoğdu, İsmail Kara, İstanbul: Dergah Yayınları,birinci basım, 2005, cilt 1
۳۹. Neşet. Halil. Atay, Ali Suavi kendine göre, İstanbul Mecmuası, sayı 25-۳۰, ۱۹۴۴-۴۵
۴۰. Ömer Faruk Akün, Şinasi, İslam Ansiklopedisi, c.11
۴۱. Pamuk, Şevket, The Ottoman Empire in "Great Depression" of 1873-۱۸۹۶, □□□ □□□□□□□ □□ □□□□□□□□ □□□□□□□□, □□□. ۴۴, □□. ۱(۱۹۸۴)
۴۲. Seyitdanlıoğlu, Mehmet, Tanzimat devrinde Meclis-i Vala (1838-1868), Anakara: T.T.K, İkinci Baskı, 1999
۴۳. Shaw, Stanford. J. "The Central Legislative Councils in the Nineteenth Century Ottoman Reform Movement before 1876", International Journal of Middle East Studies, Vol. 1, No. 1 (Jan., 1970)
۴۴. ____, "The Origins of Representative Government in the Ottoman Empire: The Provincial Representative Councils1839-1876", proceedings of the Near Eastern Round Table, New York University, ۱۹۶۹
۴۵. Suna kili ve Şeref Gözübüyük, Türk Anayasa Metinleri, Ankara: Türkiye İş Bankası yayınları
۴۶. Türk parlamentoculuğunun ilk yüzyılı (1876-1976), hazırlayan: Siyasi İlimler Türk Derneği, Ankara: Ajans – Türk gazetecilik ve matbaacılık Sanayii
۴۷. Uçman, Abdullah, Ali Suavi, Türkiye Diyanet Vakfı İslam Ansiklopedisi, Cilt 2,İstanbul, 1989
۴۸. Zürcher, Erik. J, Turkey, New York ,I.B Tauris,1997